

سازوکار تاریخی حفظ موقوفات در ایران*

فرهاد نظری

دانشجوی دکتری مرمت آثار، دانشگاه هنر اصفهان

احمد صالحی کاخکی**

دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه هنر اصفهان

salehi.k.a@au.ac.ir

شناسه‌ی دیجیتال (DOI): 10.22084/NBSH.2018.12450.1541

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۱۱

(از ص ۲۳۹ تا ۲۵۷)

چکیده

بخش قابل توجهی از میراث فرهنگی ایران، میراث وقف است. اموال موقوفه، اغلب دایر و آباداند و در میان آن‌ها آثاری دیده می‌شود که عمرشان به بیش از هزار سال می‌رسد. این سخن، بدان معنی است که میراث وقف نسبت به سایر آثار تاریخی، کمتر دستخوش نابودی، تحریف، تعطیل، و تصرف شده است. وقف بر پایه‌ی انفاق مال قابل بقاء و انتفاع مستمر و استفاده‌ی متناوب از منافع آن در امور خیریه ایجاد می‌شود و مال موقوفه از هرگونه نقل و انتقال ارادی و قهری و سایر تصرفات مصون می‌ماند. پرسش اصلی این مقاله این است که، عوامل دوام وقف چیست و چگونه میراث وقف از تخریب و نابودی در امان مانده است؟ مفروض نگارندگان این است که، وقف، در طی زمان صاحب سازوکار مدیریتی محافظت محوری شده که به مدد همین سازوکار تا حد قابل توجهی از آسیب برکنار مانده است. هدف این مقاله، شناخت سازوکار تاریخی مدیریت و حفظ میراث وقف است که می‌تواند به فراهم آمدن زمینه‌ای برای حفظ میراث وقف و دفع آفات آن در روزگار حاضر بیانجامد. وقف، سابقه‌ی طولانی در ایران دارد و مقولات مهم وقف در فقه مذاهب، وضعی متفاوت پیدا کرده است. اما در بحث حفظ میراث وقف، بررسی تجربه‌ی تاریخی وقف نشان می‌دهد رویکرد وقف در حفظ موقوفات نسبتاً یکسان است و در بستر مذاهب و یا در ادوار تاریخی تغییر اساسی نداشته است. هر موقوفه، برنامه‌ی مدیریتی دارد که به آن وقف‌نامه می‌گویند. در اکثر وقف‌نامه‌ها، حفظ و تعمیر موقوفه بر سایر مخارج مقدم شمرده شده و هرگونه تبدیل و تغییر در شروط وقف را منع کرده‌اند. برای نگارش این مقاله، موقوفات متعددی اعم از منقول و غیرمنقول و وقف‌نامه‌های بسیاری را بررسی کردیم که عمدتاً به فارسی تحریر شده بودند. مطالعه‌ی موقوفات و وقف‌نامه‌ها نشان می‌دهد که تمهیدات مشابهی برای مدیریت و حفظ موقوفات وجود داشته است.

کلیدواژگان: وقف، میراث وقف، سازوکار حفظ موقوفات، بقای عین، تعمیر موقوفات.

* مقاله‌ی حاضر مستخرج از رساله‌ی دکتری آقای فرهاد نظری (در رشته‌ی مرمت آثار، دانشگاه هنر اصفهان) با عنوان: «میراث وقف، مبنایی برای گفتگوی نظام وقف و میراث فرهنگی»، با راهنمایی دکتر احمد صالحی کاخکی می‌باشد.

مقدمه

آثار بسیاری از گذشته باقی مانده است. در ایران تاکنون نزدیک به سی و چهار هزار اثر تاریخی و فرهنگی غیرمنقول و منقول، میراث طبیعی، میراث فرهنگی ناملموس، و میراث مستند به‌عنوان میراث ملی شناخته شده و از این میان نزدیک به شصت اثر در فهرست‌های جهانی ثبت شده است. بخش قابل توجهی از این آثار، زنده و آبادند و قدمت برخی از آن‌ها بالغ بر چندین سده است؛ مانند: قنات قصبه‌ی گناباد، مسجد جامع اصفهان، بند امیر، زیلوی مسجد جامع میبد، قالی بقعه‌ی شیخ صفی، کتاب *التفهیم/بوریحان*، وقف‌نامه‌ی ربع‌رشیدی، منبر مسجد جامع ایبانه، آیین نوروز، فرهنگ وقف، نقالی و روایت‌گری، سرو ابرقو، چنار مدرسه‌ی باغوار. نزدیک به نیمی دیگر از آثار ملی متروک و بایرند و بسیاری دیگر نیز به‌کلی از میان رفته و فقط نامی از آن‌ها در اخبار مانده است. آثاری مانند: قصر شاه ابواسحق اینجو در شیراز که می‌خواست آن را نظیر طاق کسرا بنا کند، سرو کاشمر که به فرمان متوکل بریده شد، قالی نگارستان یا بهار خسرو که در مدائن بود.

امروزه میراث وقف، بخش قابل توجهی از میراث فرهنگی ایران است. در میان میراث وقف، این مقاله به موقوفات (اموال غیرمنقول و منقول) نظر دارد. موقوفات، اغلب اموال عام‌المنفعه‌ی آباد و زنده‌ای است که عمر برخی از آن‌ها به بیش از هزار سال می‌رسد و هنوز از انتفاع ساقط نشده است. میراث وقف نسبت به سایر آثار غیروقفی کمتر دستخوش نابودی، تحریف، و تصرف شده‌اند؛ البته موقوفات بسیاری نیز در روزگاران گذشته از میان رفته است. این سخن، بدان معنی است که میراث وقف هم استعداد دوام دارد و هم دچار نقصان و نابودی می‌شود. در این مقاله نمونه‌های متعددی از اسناد وقف بررسی شده‌اند؛ این اسناد عمدتاً به فارسی و متعلق به سرزمین ایران بودند و اختلافی در ساختار آن‌ها به‌دست نیامد، مگر در موارد بسیار جزیی. تجربه‌ی تاریخی وقف نشان می‌دهد، رویکرد وقف در حفظ موقوفات نسبتاً یکسان است. مع‌الوصف، پرسش اصلی این مقاله این است که، عوامل تاریخی حفظ موقوفات چیست؟

یافتن پاسخ این سؤال می‌تواند ما را نسبت به رویکرد و رفتار گذشتگان با موقوفات و انگیزه‌های حفظ آن آگاه کند. این آگاهی، امکان مطالعه و گفتگوی «سازوکار تاریخی حفظ موقوفات» و «مبانی پاسداری میراث فرهنگی» را در اختیار ما می‌نهد.

روش تحقیق

روش این تحقیق، ترکیبی است از سندپژوهی و تحلیل مضمونی. بدین معنا که نقطه‌ی ثقل این تحقیق، تحلیل اسناد وقف/وقف‌نامه‌ها است. وقف‌نامه‌ها به‌عنوان مهم‌ترین منابع این تحقیق ابزار و نوشته‌های منحصر به فردی هستند، حاوی اطلاعات بومی و جزئی که منحصر به همان اسناد است و ممکن است جای دیگری یافت نشود. براساس روش تحلیل مضمونی، مضامین اصلی و مهم این تحقیق از اسناد وقف استخراج و با تکیه بر قرائن تاریخی، تحلیل شده است. برای

نگارش این مقاله، وقف‌نامه‌های متعددی اعم از منقول و غیرمنقول بررسی شد. مطالعه‌ی موقوفات و وقف‌نامه‌ها نشان می‌دهد که در فرهنگ وقف، صرف نظر از تنوع ناشی از منطقه‌ی زمانی، جغرافیایی، مذهبی و عرفی، تمهیدات مشابهی برای مدیریت و حفظ موقوفات وجود داشته است.

مبانی نظری

«وقف» نوعی صدقه است؛ صدقه شامل امور خیر از قبیل ذکات است، اما هرگاه گفته شود صدقه‌ی جاری، مراد از آن وقف است (حسنی، ۱۳۸۰: ۱۲۱-۱۲۲). قانون مدنی ایران «وقف» را حبس عین مال و تسبیل منافع آن دانسته است (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۶۰؛ مصاحب، ۱۳۸۷: مدخل «وقف»). وقف ایجاد نمی‌شود، مگر با صیغه‌ای که بیان‌گر قصد واقف باشد. الفاظی مانند «سبیلت» به معنی در راه خدا قرار دادم، «حبست» به معنی حبس کردم ذاتاً بر وقف گواهی می‌کند، اما لفظ «وقف» به معنی وقف کردم صریح‌ترین لفظی است که بر وقف دلالت می‌کند (حسنی، ۱۳۸۰: ۱۲۲). وقف بر پایه‌ی انفاق مال قابل بقاء و انتفاع مستمر و استفاده‌ی متناوب از منافع آن در امور خیریه ایجاد می‌شود (عمر، ۱۳۸۹: ۱۱۵). ظاهر از واژه‌ی تسبیل، این است که منافع مال وقف در راه خدا صرف شود؛ لذا وقف بر مقاصد غیرمشروع باطل است (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۸۵؛ همو، ۱۳۹۱: ۶۴). وقف از نظر حقوقی، عملی است که به موجب آن شخص (حقیقی یا حقوقی) عین مالی را از ملکیت خود خارج کرده و از هرگونه نقل و انتقال ارادی و قهری و سایر تصرفات به طور کامل مصون می‌دارد و منافع آن مال را در امور خیر به طور دائم جاری می‌سازد (برادران، ۱۳۷۳: ۷۱).

وقف در بستر مذاهب و فرق اسلامی به رنگ و لحن‌های گوناگونی درآمده و مقولات مهم وقف در ارتباط با مذاهب، وضع متفاوتی یافته است (الکبیری، ۱۳۶۴: ۳۰؛ نیزن ک. به: ابهری علی‌آبادی، ۱۳۸۵؛ جناتی، ۱۳۷۳). بیش از هزار سال است مبانی و مسائل وقف مورد بحث است، اما همچنان اختلاف در ابواب اساسی وقف وجود دارد (ن. ک. به: الکبیری، ۱۳۶۴). مثلاً از نظر امامیه، شافعی، و حنبلی، در وقف، تصرف مالک از موقوفه یا رقبه قطع شود، اما وقف در نظر حنفی‌ها و مالکی‌ها تسلط مالکانه‌ی واقف از موقوفه قطع نمی‌شود (عتیقی، ۱۳۸۷: ۳۶۷-۳۶۸). بر سر مبانی و مسائل وقف، درون یک مذهب هم اختلاف رأی هست؛ مثلاً در ۱۲۱۵ هـ.ق. شخصی به نام «لطف علی‌خان ترشیزی» املاکی را جهت یک مدرسه‌ی علوم دینی در زواره وقف کرد. چون هنگام اجرای خطبه‌ی وقف، املاک مذکور در اجاره بوده و قبل از اتمام اجاره، واقف درگذشته بود، ورثه‌ی واقف به استناد این که املاک مورد نظر در زمان وقف در قبض واقف نبوده و اقباض صورت نگرفته، لذا وقف باطل است؛ از مجتهد عالی قدر آن روزگار «میرزای قمی و سیدمحمدباقر شفتی» استفتاء کرده و آنان «به علت عدم تحویل و اقباض عین موقوفه» حکم به بطلان وقف داده بودند. در پی این فتوا عده‌ای از رجال اردستان موضوع را تعقیب کردند و آیت‌الله شفتی، فتوای خود را تغییر داد و بر صحت وقف حکم کرد. تضاد حکم قبلی و جدید ایشان سبب شد مسأله به «ملاحمد نراقی» احاله شود و ایشان بر نظر میرزای قمی،

یعنی بطلان وقف فتوا داد و متعاقباً، سید شفتی نیز ردیه‌ای بر نظر ملا احمد نراقی نوشت (تویسرکانی، ۱۳۷۶: ۴۸-۵۵؛ جعفری، ۱۳۸۲: ۹۲-۹۵). سرگذشت وقف، مملو از این از مباحث و ماجراها است.

پیشینه‌ی تحقیق

تاریخ وقف در ایران به طور دقیق روشن نیست، اما آن قدر معلوم است که ایرانیان در روزگار پیش از اسلام به بنیادهای خیر و آبادانی زمین اهتمام می‌ورزیدند (شهبازی، ۱۳۴۳: ۲). امروزه آن چه از فرهنگ وقف در ایران مراد می‌گردد و رایج است، مفهومی اسلامی است، اما در میان غیرمسلمان نیز وقف انجام می‌شود. وقف در دیگر بلاد مسلمان، مانند: عثمانی، شامات، مصر، ماوراءالنهر، و شبه‌قاره از گذشته تاکنون رایج بوده و موقوفات پُرشمار و وقف‌نامه‌های متعددی از دوران سلاجقه‌ی آناتولی، ممالیک مصر، و گورگانان هندوستان به جامانده است. در هندوستان و پاکستان موقوفات متعددی هست که اغلب وقف‌نامه‌هایشان به فارسی است (افشار، ۱۳۸۴: ۶۷)؛ فی‌المثل در پادشاهی شاه جهان، در بلده‌ی سورت گجرات، کاروانسرای بوده که «اسحق بیگ یزدی المخاطب حقیقت خان بانی این کاروانسرا گشت» و کتیبه‌ی وقف‌نامه‌اش در موزه‌ی Prince of Wales Museum نگه‌داری می‌شود (حکمت، ۱۳۳۷: ۱۶).

وقف، در حیات اجتماعی شهرهای ایران کارکردهای مؤثری چون: تأمین هزینه‌های ساخت و تعمیر مساجد، بقاع متبرکه، مدارس و بیمارستان‌ها، برگزاری اعیاد و آیین‌های مذهبی، کمک به بینوایان، دانش‌آموزان، در راه ماندگان، و تأمین مسکن برای نیازمندان و اجاره‌ی زمین‌های زراعی و باغات و مغازه‌ها و کارگاه‌های وقفی به پیشه‌وران و ارباب حِرَف داشته است (اهلرز، ۱۳۷۴: ۵۱-۵۳).

تأسیس اوقاف، سنت پسندیده‌ای است. سلاطین، حاکمان، وزیران، امیران، بازرگانان، و توانگران بسیاری به وسیله‌ی وقف، نامشان به نیکی در صحیفه‌ی تاریخ درج شده است؛ مثلاً رشیدالدین فضل‌الله همدانی، وزیر پراوازه‌ی ایلخانان مغول به سبب اوقاف و امور خیر، ممدوح مورخان و تذکره‌نویسان و راویان شد. خوندمیر در شرح مآثر و خصال پسندیده‌اش گفته «آن وزیر نصفت نهاد ابواب عدل و انصاف بر روی خواص و عوام بگشاد و اهل علم و فضیلت را مشمول نظر عافیت گردانیده جهت تسکین ایشان بقاع خیر بنا نهاد» (خوندمیر، ۲۵۳۵: ۳۱۷). پیش از خواجه رشید، خواجه نظام‌الملک طوسی، وزیر نام‌دار و سیاست‌مدار شاهان سلجوقی، آثار و عمارات بسیاری بنیاد نهاد؛ مشهورترین آن‌ها مدارس «نظامیه» بود که بر آن‌ها اموال بسیاری وقف کرد. نظامیه‌ها، قرن‌ها جزو مهم‌ترین مراکز علمی جهان اسلام بودند و بر سرنوشت تاریخ و تمدن مسلمانان تأثیر گذاشتند. فرمان تدریس و نظارت بر اوقاف نظامیه‌ی بغداد در ۶۳۱ ق. از جانب الناصرالدین خلیفه‌ی عباسی شاهدی بر حیات این مدرسه در دو سده پس از تأسیس آن است (کسایی، ۱۳۶۳: ۷۱-۷۷ و ۲۶۶-۲۶۷)؛ بعداً به تقلید از خواجه نظام، مجموعه‌مدارسی چون «تاجیه» و «مستنصریه» بنا شد که موقوفاتی داشتند و باید آن‌ها را جزو آثار فرهنگ

وقف برشمرد.

تاریخ وقف، تاریخ کامیابی‌ها و ناکامی‌ها است. وقف، که همواره عامل آبادانی سرزمین بوده، گاهی خودش از آسیب دهر برکنار نمانده و در گذر ایام دستخوش تخریب، انحطاط، و زوال هم شده است. طمع به اموال وقف باعث پدیده‌ی مذموم وقف خواری شده و اوضاع ناپایدار روزگار و اختلافات به حذف موقوفات بسیاری انجامیده است. مؤلف کتاب *نقض در قرن ششم هجری*، تعدادی از موقوفات شیعیان را نام برده که در همان ایام توسط دیگران نادیده انگاشته می‌شد: اگر به تحصیر و تحدید مدارس سادات مشغول شویم در بلاد خراسان و حدود مازندران و شهرهای شام از حلب و حِزّان، و از بلاد عراق چون قم و کاشان و آبه که مدارس چنانست و کی بوده است و اوقاف چند دارد و طومارات کتب خواهد (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۳۴).

وی تعدادی از مدارس و خانقاه‌ها و بقاع خیر شیعیان را برشمرده که امروزه جز اخبار نقض چیززی از آن‌ها نمانده است (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۳۴-۳۷). برخلاف تصور، موقوفات مدارس و نهادهای آموزشی بیش از سایر موقوفات دستخوش تعرض بوده‌اند. ربع‌رشدی از شاخص‌ترین مواردی است که می‌توان یاد کرد. ربع‌رشدی بلافاصله پس از مرگ واقف، روبه زوال نهاد و امروزه جز تل خاک، چیززی از آن نمانده است. در شهرهای ایران چون: مشهد، تبریز، یزد، و اصفهان، موقوفات متعددی از قبیل: مدارس، خانه‌ها، کاروانسراها و خانات، دکاکین، دهات و مزارع و باغ‌ها از میان رفته‌اند. در کتابچه‌ی *موقوفات یزد*، که در دوره‌ی محمدشاه قاجار تحریر شده گفته که در دارالعباده‌ی یزد بیش از چهارصد مدرسه و بقعه‌ی آباد می‌بوده و «نظر به انقلاب روزگار، کل آن ابنیه ویران گشته و تمامی موقوفات به ضبط خالصه‌ی دیوان درآمد، مگر یک مدرسه‌ی شفیعیه که الآن دایر است و چند مدرسه‌ی جدید» (طراز، ۱۳۴۱: ۳۰). مؤلف این کتابچه ضمن اشاره به تعمیرات مسجد جامع کبیر یزد در ۱۲۴۰ هـ.ق. به یاد می‌آورد که «موقوفاتی بر مسجد نیفزوده و موقوفات قدیمه‌ی مسجد هم به‌کلی از میان رفته» است (طراز، ۱۳۴۱: ۱۲). وی در موارد متعدد به معلوم نبودن موقوفات و متولی و نحوه‌ی مصارف و از بین رفتن موقوفات اشاره کرده است؛ مثلاً درباره‌ی مسجد جامع یعقوبی، که از ساخته‌های شاه یحیی مظفری است گفته: «در قدیم‌الایام موقوفات و مصارفی می‌داشته. الحال جزئی باقی مانده» (طراز، ۱۳۴۱: ۲۵).^۱ در اصفهان هم مدرسه‌ی موسوم به مدرسه‌ی کافوریه وجود داشته که در ۱۲۹۸ هـ.ق. خراب شد و به حکم یکی از مجتهدان بزرگ شهر، آجرهای آن در «مسجد محله‌ی نو» معروف به «مسجد فشارکی» و «مسجد رحیم‌خان» به کار رفت. آقا کافور از خواجگان مقرب شاه عباس دوم، بانی این مدرسه بود (ایمانیه، ۱۳۷۶: ۱۱۰-۱۱۱). بسیاری از املاک، دکاکین، باغات، مزارع، قنوات و تأسیسات تاریخی که اکنون در تصرف اشخاص است، موقوفه بوده‌اند؛ فی‌المثل در آگاهینامه‌ی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران گزارش شده است که زیرزمین چلوکبابی شرف‌الاسلامی، قسمتی از حمام موقوفه‌ی مسجد شاه تهران است. کاربری این حمام تغییر یافته و به‌تصرف غیر درآمد (آگاهینامه، ۱۳۵۴: ۹). اگر

پژوهشی با موضوع موقوفات از میان‌رفته صورت گیرد، معلوم می‌شود که چه میزان از موقوفات به علل گوناگون در گذر زمان از میان‌رفته است. چنین پژوهشی زمینه را برای آسیب‌شناسی تاریخی وقف فراهم می‌کند.

وقف، دامنه‌ی گسترده‌ای دارد و به حوزه‌های جامعه‌شناسی، حقوق، اقتصاد، فقه، زبان‌شناسی، سیاست، کشاورزی، مدیریت آب، شهرسازی و معماری، و هنر مرتبط است و می‌تواند موضوع هر یک از این‌ها باشد. پژوهش‌های پُرشماره درباره‌ی وقف از مناظر گوناگون انجام شده، اما پژوهش‌هایی که به موضوع «سازوکار تاریخی حفظ موقوفات و میراث وقف» پرداخته باشد، یافت نشد.

سازوکار تاریخی حفظ موقوفات در ایران

وقف برپایه‌ی انفاق مال قابل بقاء و انتفاع مستمر و استفاده‌ی متناوب از منافع آن در امور خیریه ایجاد می‌شود و مال موقوفه از هرگونه نقل و انتقال ارادی و قهری و سایر تصرفات مصون می‌ماند. یکی از شروط صحت وقف، بقای عین موقوفه است و وقف بر اموال ناماندگار و تلف‌شدنی، مانند دیون و منافع، باطل است (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۷۹-۸۴؛ ابهری علی‌آبادی، ۱۳۸۶: ۱۴)؛ بنابراین شرط بقای عین موقوفه، متضمن رویکردی آبدمدت است که به ماندگاری میراث وقف منتهی می‌شود. وانگهی مال موقوف باید از شمار دارایی‌های مالک خارج شود و در گذر زمان از نقل و انتقال و تلف مصون بماند. موضوع، موجب استقلال وقف شده است. نظر برخی از محققان، نظام وقف در زمان پیدایش برپایه‌ی اعتبار شخصیت حقوقی شکل گرفت. وقف شخصیتی حقوقی است که میان او و دیگران عقود از قبیل بیع و اجاره صورت می‌گیرد و قیم و متولی و ناظر به نمایندگی از شخصیت حقوقی وقف، عمل می‌کنند. بعضی از فقها تا آن‌جا پیش‌رفته‌اند که شخصیت حقوقی وقف را از شخصیت واقف جدا ساخته، هرچند واقف، قیم و متولی وقف باشد. از این‌رو مقرر داشته‌اند اگر واقف مطابق شرایطی که خود در وقف وضع کرده، عمل نکند و برخلاف مصالح وقف برود، وقف از دست او گرفته می‌شود (رحمانی، ۱۳۷۹: ۶۱). از طرفی، مبنای اندیشه‌ی وقف، خیرخواهی به نفع غیر است. از این‌رو ساختار وقف به گونه‌ای شکل گرفته که امکان خودخواهی و سودجویی کمتر بدان راه دارد (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۷۵-۷۶). به‌طور کلی برای وقف، مصارف خاصی معین نشده و وقف بر هر عمل مشروعی صحیح است. حدّ خیرخواهی در وقف تا آن‌جا است که بسیاری از فقیهان، وقف بر غیرمسلمانان را به اعتبار این‌که بندگان خدا هستند جایز شمرده‌اند (آذری، ۱۳۸۸: ۲۳)؛ مثلاً یزدی در ملحقات، وقف بر کافر را مجاز دانسته، خواه حربی باشد، خواه ذمی، خواه خویشاوند باشد، خواه نباشد (حسنی، ۱۳۸۰، ۱۸۸-۱۸۹). تسبیل ثمره و منفعت در وقف، سبب شده از وقف به صدقه تعبیر شود و متعاقباً وقف را داعی خیر دانسته‌اند؛ درحالی‌که وقف فقط تحبیس اصل و تسبیل ثمره است و در لفظ وقف، صراحتاً قصد قربت و خیر بیان نشده است (نظیف، ۱۳۸۱: ۷۵). اما بر حسب تجربه‌ی تاریخی وقف، می‌توان گفت که وقف، عملی انسان‌دوستانه است و معمولاً جهت آموزش و پرورش، صلح و دوستی، پرستاری و

مراقبت از انسان‌ها و تیمار طبیعت ایجاد شده است. در سرزمین مسلمانان، اوقاف متعددی برای دستگیری از ایتام و مستمندان، آموزش علوم و ترویج معارف، برگزاری آیین‌ها و مراسم، خدمت به زوّار، مسافران، و در راه ماندگان انشاء شده است. امور گفته شده، امروزه جزو ارزش‌های جامعه‌ی بشری است و میراث فرهنگی ناملموس به‌شمار می‌رود. فرهنگ وقف حائز ویژگی‌هایی است که زمینه را برای دوام وقف و بقای موقوفات و میراث وقف هموار ساخته است. این ویژگی‌ها به‌طور کلی عبارتند از:

- الف. رویکرد ابدمدت؛ موقوفه باید مال قابل بقاء باشد و وقف اموال تلف‌شدنی صحیح نیست. همین اصل، متضمن نگاه بلندمدت (مؤبد) در وقف است.
 - ب. استقلال؛ استقلال در وقف از دو راه ایجاد می‌شود: نخست با حبس عین موقوفه و اعراض واقف از مالکیت مال وقفی؛ دوم با ایجاد سازوکار مدیریتی که وقف را از نظر مالی، خودکفا و مستقل می‌سازد.
 - ج. خیرخواهی برای غیر؛ تسبیل منفعت موقوفات در راه خدا، مهم‌ترین هدف وقف است. در عموم اوقاف، منفعت عامه مدنظر واقف بوده و به‌همین سبب در جمهور مردم، انگیزه‌ی حفظ موقوفات ایجاد شده است.
- همچنین وقف، «مکانیزمی توانا برای حفاظت از آثار در طول بیش از هزار سال در کشورهای اسلامی» بوده (حجت، ۱۳۸۰: ۱۳۲) و در طول تاریخ صاحب ساختار و تشکیلاتی شده که، بالنسبه موجب دوام وقف و حفظ و بقاء موقوفات در برابر بلاها و تعدی‌ها و تعرضات شده است. این سازوکار، تقریباً در خصوص همه‌ی موقوفات و در همه‌ی مذاهب مشابه است و با مطالعه‌ی اسناد وقف/وقف‌نامه‌ها این سازوکار را می‌توان شناخت. سازوکار تاریخی دوام وقف و حفظ موقوفات بر این امور استوار است:

۱. تدوین سند وقف و نسخه برداری و تکثیر آن

وقف‌نامه، اساس‌نامه‌ای «فی بیان شرایط امور الوقف و المصارف»^۲ است و حاوی ضروریات وقف از قبیل: مشخصات واقف، موقوفه، موقوف علیه و شروط و ضوابط که جزئی‌ترین اطلاعات مربوط به موقوفات و نحوه‌ی استفاده و مدیریت آن را دربر دارد و به اصطلاح امروزی برنامه‌ی جامع مدیریت^۳ موقوفه است. هر وقف‌نامه، سندی منحصر به فرد از یک دوره‌ی خاص و دربارهِی مناسب خاصی است و در بردارنده‌ی اطلاعاتی که ممکن است جای دیگری یافت نشود. بازخوانی وقف‌نامه‌ها و اسناد وقف نقش مؤثر و بی‌بدیلی در روشن کردن گذشته می‌تواند ایفا کند. بازخوانی و انتشار این اسناد زمانی بیشتر جلوه می‌کند که بدانیم این اسناد، اغلب تک‌نسخه و منحصر به فرداند (خسروی، ۱۳۸۴: ۱۴۷؛ نیز ن. ک. به: قائم مقامی، ۱۳۵۰: ۶؛ همو، ۱۳۴۸: پنج - نه). قالب و ساختار وقف‌نامه‌ها شبیه به هم است؛ مثلاً در ساختار وقف‌نامه‌ی موقوفه‌ی عظیمی چون ربع‌رشیدی با ساختار وقف‌نامه‌ی زیلوی میبد یا کوس نادری تفاوتی نیست. مطالعه‌ی وقف‌نامه‌ی آن‌ها از جنبه‌های گوناگون دارای اهمیت است.^۴ وقف‌نامه‌ها اغلب تک‌نسخه‌اند، اما در مواردی برای

جلوگیری از امحاء، مخدوش کردن و یا تحریف وقف‌نامه، نسخه‌های متعددی از آن می‌نوشتند و در جاهای امنی نگاه‌داشته می‌شد و گاه رونوشتی از وقف‌نامه را به صورت کتیبه در بنا نصب می‌کردند تا مانع هرگونه تعرض به موقوفات یا تصرف غیرمجاز در آن‌ها شوند. براساس تجارب تاریخی، اوقافی که سند وقف آن‌ها به هر دلیلی مخدوش یا معدوم شده، در معرض تصرف و تحصیل نامشروع منافع آن و یا در جهت استفاده‌ی دوراز غرض واقف قرار می‌گرفت.

وقف، مانند هر پدیده‌ی اجتماعی دیگری آسیب‌ها و مخاطراتی ازجمله «موقوفه‌خواری» داشته است؛ اگرچه موقوفه‌خواری امری مردود بوده و آن‌را نکوهیده‌اند، اما اوقاف بسیاری به‌همین علت مستهلک شده‌اند. یکی از راه‌های معمول و مقدمات از بین بردن اوقاف، نابودی یا مخدوش کردن اسناد وقف بوده است. در مواردی که واقف از هدم موقوفه و محو و مخدوش شدن وقف‌نامه بیمناک بوده، نسخه‌برداری و تکثیر وقف‌نامه را ذیل شروط وقف بیان کرده است. مینوی و افشار، در مقدمه‌ی ربع‌رشیدی گفته‌اند که از وقف‌نامه‌ی ربع رشیدی برمی‌آید پنج نسخه از این وقف‌نامه نوشته بودند که بخش‌های عمده‌ی آن‌ها مفقود شده است (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۰: ۱۶). در وقف‌نامه‌ی گوهرشادبیگم شرط شده «در هر چندسال، سوادى از وقفیه تازه سازند» (انزابی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۲۶) تا مصلحت وقف رعایت شود و به شروط عمل کنند. در خاتمه‌ی وقف‌نامه‌ی موقوفات تربیت حیدریه و ترشیز، (تاریخ وقف: ۹۸۰ ه.ق.) این مطلب آمده است: توضیحاً آن که سجل وقف نامچه‌ی املاک مزبوره پنج عدد نوشته شده، یکی در دست اولاد و متولی آن‌ها سپرده شده و یکی در کتابخانه‌ی سرکار فیض‌آثار و یکی در نزد حضرت علامه‌العلمایی ملاقوام‌الدین امام جمعه ترشیز و یکی در نزد حضرت سیادت و نجابت منقبت میرزا سیدعلاء‌الدین تونی سپرده شده و یکی در عمارت شاهزاده فیروز در سمت شرقی آن لوله‌ی مسی ودیعه گذاشته شده مدفون است. با مفقود شدن نسخه به سایر نسخه‌ها رجوع نمایند (رضایی، ۱۳۸۴: ۵۷).

مؤلف کتابچه‌ی موقوفات یزد در دیباچه گفته است، محمدحسین‌خان آجودان‌باشی حکمران یزد از هنگام ورود به یزد به تأسیس خیرات همت گماشت و در ۱۲۵۷ ه.ق. به اصلاح موقوفات دایره و بایره توجه نشان داد و معتمدین و کارآگاهان محاسب را فرمود: در اندک زمان تهذیب اعیان موقوفه و مداخل و مخارج و تشخیص دیانت متولیان عهد و خانیان و تعیین نظراء باستصواب حکام شرع اقدس به عمل آمد و تا این‌که این خلاصه‌ی آثار بر صفحه‌ی روزگار بماند و اولاً به جهت یمین دولت جاوید مدت و ثانیاً بقای نظام امور موقوفات که از این پس دست تغلب بر تغییر و تضییع آن دراز نگردد (طراز، ۱۳۴۱: ۱۰).

چنان‌که طراز گفته است مخدوش یا معدوم کردن سند وقف، زمینه را برای دستکاری موقوفات فراهم می‌کرد. او از معلوم نبودن «حقیقت وقف‌نامه‌ی و متولی» موقوفاتی در یزد خبر داده که باعث سردرگمی و اشکال در رتق و فتق آن موقوفات شده بود (طراز، ۱۳۴۱: ۱۵ و ۲۳). در وقف‌نامه‌ی آب‌انبار شش بادگیر یزد (تاریخ وقف: ۱۲۷۹ ه.ق.) نیز شرط شده «از منافع موقوفات در هر چهار سال، یک سواد

از وقف نامچه مثل همین، متولی استکتاب نماید و معتبر ساخته [و] در نزد امینی بسپارد تا نسخ متعدده در میان باشد و موقوفات از میان نرود» (مسرت، ۱۳۸۷: ۸۷-۸۸). در وقف‌نامه‌ی مسجد و مدرسه‌ی ناصری نیز توصیه شده متولی کتابچه‌ی وقف‌نامه را در حد مقدور در میان عامه منتشر کند (شیخ‌الحکامی، ۱۳۸۸: ۱۱۲). ایرج افشار در سفرش به سال ۱۳۴۶ ه.ش. به ابرقو، مسجد بیرون را دید و درباره‌ی آن نوشت که این مسجد کتیبه‌ای معرق به خط نسخ دارد که «قسمتی از آن را موقوفه‌خواران دنیاخوار شکسته و نابود کرده‌اند. زیرا تمام متن کتیبه ذکر عده‌ی موقوفات و نام و موضوع مصرف عواید بوده است. به [منوچهر] ستوده گفتم به سنت عمل کرده‌اند! هر جا که وقفی بوده است، خورده‌اند» (افشار، ۱۳۸۹، ج ۱: ۲۶-۲۷).

به نظر می‌رسد وقتی در وقف‌نامه‌های یک دوره چنین شروط می‌شود، بیم وقف‌خواری در میان بوده و وقف‌خواری شایع بوده است.

۲. نظام مدیریت وقف

وقف، مانند هر عمل حقوقی دیگری، ارکان و عناصر سازنده‌ای دارد که هیچ‌یک از آن‌ها نباید معدوم و مجهول باشد و الا وقف ایجاد نمی‌شود؛ ارکان وقف عبارتند از: صیغه، واقف، موقوفه، و موقوف علیه. از طرفی وقف‌داری نظام مدیریت دقیق و حساب‌شده‌ای است که براساس آن به نیت واقف عمل می‌شود. واقف به منظور بقاء عین و اجرای نیت و اهداف واقف، فردی یا افرادی را به نظارت وقف تعیین می‌کند که مطابق نظر او ولایت تصرف در مال وقف را باشد. به این فرد، متولی یا مدیر وقف گویند (عتیقی، ۱۳۸۸: ۳۴۷-۳۵۱). واقف می‌تواند تولیت را برای خود قرار دهد و یا متولی دیگری معین کند. همچنین واقف می‌تواند بر متولی ناظر بگمارد که اعمال متولی به تصویب یا اطلاع او باشد (حسنی، ۱۳۸۰: ۲۱۴؛ کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۶۷-۶۹؛ هاشمی‌نسب، ۱۳۷۹: ۱۲۹). معمولاً واقف، ارشد اولاد ذکور خود و نسل بعد نسل فرزندان پسر را برای تولیت موقوفات معین می‌کند و در صورت انقراض و انقطاع نسل، تولیت را اعلی علم یا صالح‌ترین فرد ممکن مفوض می‌گرداند؛ البته استثنائاتی هم هست که واقف یا واقفه‌ای در صورت پیش‌بینی انقراض اولاد ذکور، تولیت وقف را به اولاد انثا سپرده است. زبیده بیگم واقفه‌ی دوره‌ی صفوی چنین کرده است (احمدی، ۱۳۹۰: ۲۱۰). آن‌چه مسلم است این‌که متولی، نقش مؤثری در حیات وقف دارد و موقوفه‌ی مجهول‌المتولی در معرض تصرف و انحطاط قرار دارد. متولی، به‌طور کلی موظف انجام این امور است:

- تعمیر و آبادان کردن موقوفه؛

- تحصیل درآمد موقوفه و توزیع آن بین موقوف علیهم؛

- پرداخت مالیات و اموری نظیر آن؛

- رعایت شروط وقف‌نامه؛

در گذشته، در میان موقوفات متعدد، موارد کمی مانند موقوفات آستان قدس رضوی، مدرسه‌ی سپهسالار، بازارهای میدان نقش جهان یافت می‌شود که واقف

اداره‌ی امور موقوفات را به دولت واگذار کرده است؛ زیرا انقلاب روزگار، تغییر حکومت‌ها، و خصومت سلسله‌ها، خودسری حکومت‌ها موجب تصرف و یا خرابی موقوفات می‌شد (جعفری هرندی، ۱۳۷۸: ۱۴۴). اما حکومت‌ها در گذشته تشکیلاتی برای رتق و فتق و نظارت بر اوقاف داشته‌اند. در دوره‌ی سامانیان وقف، تشکیلات مستقلی پیدا کرد. تاریخ بخارا از اوقافی نام برده که بانی آن امیر اسماعیل سامانی بود. در دوره‌ی سلجوقیان، وقف توسعه یافت. در حکومت سلطان سنجر دیوان اوقاف، اداره‌ی موقوفات را ترتیب می‌داد و هر ولایتی دیوان اوقاف مخصوص داشت. این دیوان اوقاف کارش بقاء آثار خیر، احیاء و عمارت و رفع خلل اوقاف بود. در همان دوره «استکشاف احوال اوقاف و رسانیدن محصولات به مصارف» براساس شروط و در کل احیاء و تیمار اوقاف به حاکمان ولایات تفویض می‌شده است (منتجب‌الدین بدیع، ۱۳۸۴: ۵۲-۵۴ و ۲۴، ۲۸-۲۹). موقوفات در دیوان صفویان، وزیر مخصوص داشت و شغل او «نسق محال و جمع نمودن رعایا و دادن تخم و موونث زراعت و سایر مصالح الاملاک و تکثیر و توفیر زراعات و آبادی محل و دادوستد وجوهات و تعمیر مستغلات و خانات و حمامات بوده است» (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۲۳۳-۲۳۴). بنیاد اوقاف در دوران زند و قاجار، مانند دوره‌ی صفویان بود. (Lambton, 2002: Wakf).

علی‌الرغم وجود تشکیلاتی برای نظارت بر اوقاف، به‌علل گوناگون برخی موقوفات به انحلال و زوال می‌افتاد. به حال عمارت آوردن اوقاف بایر در زمره‌ی کارهای نیک بود و افرادی که بضاعت احیاء این‌گونه موقوفات را داشتند، بدان اهتمام می‌کردند. در مرصادالعباد نقل شده که ملک صلاح‌الدین را عادت بر آن بود که وقتی شهری یا ولایتی می‌گشود، بنیاد بنای خیری می‌نهاد. پس از فتح دیار مصر به وزیر خود گفت: می‌خواهم این‌جا خانقاهی بسازم؛ وزیر گفت: پیش‌تر هزار بقعه خیر در مصر بنا کرده‌اند و خرابی عظیم بدان‌ها راه یافته است، اگر ملک اسلام آن اوقاف به حال عمارت باز آورد و از تصرف مستأکله بیرون کند و به امینی متدین بسپارد «چنان بُوَد که آن خیرات او بنا فرموده» و صلاح‌الدین نیز چنان کرد (رازی، ۱۳۷۳: ۴۶۰). خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، فرزندش خواجه جلال‌الدین حاکم روم را می‌فرمود: «باید که مدارس و مساجد و خوانق و معابد و قناطر و مصانع و رباطات که قدماء ساخته‌اند و روی به خرابی نهاده به حال عمارت آوری» (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۸: ۸۸).

در وقف‌نامه‌ی گوهرشادبیگم در ۸۲۹ ه.ق. -که از کهن‌ترین وقف‌نامه‌های خراسان است- ضمن تعیین مقرری عمال وقف، گفته: «نظام رتق و فتق و نسق مهمّات و معموری بقاع مذکوره و اوقاف آن به سعی ایشان وابسته و مقرر است» (انزابی نژاد، ۱۳۸۸: ۲۳-۲۴). خواجه رشیدالدین فضل‌الله در مکتوبی به مولانا محمد، امرتدریس مدرسه‌ی ارزنجان را -که به مال خاص خود انشاء کرده بود- به مولانا شمس‌الدین قونیایی تفویض و همگان را مقید کرده بود، او را مدرس و متولی آن مدرسه بدانند و «موقوفات آن‌را به‌دست گماشتگان مولانا گذارند که تا محصول آن‌را بر موجب شرط واقف به مصارف استحقاق و مصالح آن بقعه صرف

کند» (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۸: ۱۵۵-۱۵۶). در بسیاری از اسناد وقف شرط شده که از متولی محاسبه نخواهند. در وقف‌نامه‌ی بقعه‌ی امام‌زاده سیدمیرمحمد بن کاظم علیه السلام در شیراز از «علمای اهل اسلام و فقهای ذی‌الاحترام که اعلیت و افضلیت دارند» خواسته است هرگز «حساب از متولی نخواهند و دخل و تصرف در بقعه رفیعه و املاکات و حوانیت مذکوره و موقوفات معینه نمایند و ناظر بر او نگمارند» (برکت، ۱۳۸۲: ۴۸). شاه سلطان حسین صفوی، در وقف‌نامه‌ی مدرسه‌ی چهارباغ اصفهان از سلاطین هر عصر «توقع و التماس» داشته که شروط وقف را در نظر داشته و از آن عدول نکنند (سپنتا، ۱۳۴۶: ۱۷۵).

واقفان به تجربه دریافت‌ه بودند برای دوام وقف و ترتیب اداره‌ی موقوفات، نظام دقیق و سنجیده‌ای لازم است. از این‌رو انتصاب ناظر و متولی و تعیین حدود اختیار آن و روش انتقال تولیت از نسلی به‌نسل دیگر در طول زمان تحت‌قاعده‌ی مشخصی درآمد؛ این قاعده تاحدی ضامن بقای وقف بود و آن‌چه از موقوفات باقی مانده به‌کارآمدی نظام مدیریت وقف مرتبط است.

۳. آبادانی و تعمیر موقوفات

تعمیر موقوفات از لوازم بقاء عین و ازدیاد منافع است و واقفان تعمیر موقوفات را بر سایر امور مقدم داشته‌اند (هاشمی‌نسب، ۱۳۷۹: ۱۲۹)؛ زیرا عدم توجه و تعمیر موقوفه سبب خرابی و انهدام عین می‌شده و نهایتاً به‌زوال و انحلال وقف می‌انجامیده است. در وقف‌نامه‌ی خواجه عتیق منشی (تاریخ وقف: ۹۳۱ ه.ق.) شرط شده واقف، «محصول و منافع رقبات موقوفات مذکورات را اول به‌عمارت رقبات موقوفه و مصالح زراعت و بعد از آن به اطعام فقرا و مساکین» و غیرهم برساند (انزابی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۴۴). در وقف‌نامه‌ی مسجد آقانور (تاریخ وقف: ۱۰۶۹ ه.ق.) نیز شرط شده منافع موقوفات و رقبات به‌مصرف بقاء و آبادی آن مسجد برسد و هرگاه خلل و خرابی در مسجد مذکور به‌ظهور رسد تعمیر آن را بر سایر مخارج مقدم دارند (حسینی‌اشکوری، ۱۳۸۸، ج ۳: ۵۰۵). شاه سلطان حسین صفوی تعمیرات ضروری مدرسه‌ی سلطانی (چهارباغ) و مسجد و مدرس واقع در آن و کاروانسرا و بازارگاه و قهوه‌خانه و متعلقات آن‌ها را بر سایر مصارف آتیه مقدم کرده است (حسینی‌اشکوری، ۱۳۸۸، ج ۲: ۸۴-۸۵). در وقف‌نامه‌ی علی‌قلی آقا، متولی موظف شده تعمیر و مرمت موقوفات مذکور را «مقدم بر حق التّولیه و حق التّظاره و حق التصّدی و مصارف مسجد و حجرات و مایتعلق بها بدارد» و نگذارد که ملک مزبور یا آسیا و حمام‌ها و دکاکین مذکور، بایرو معطل گردند (خسروی، ۱۳۸۴: ۱۵۶).

در موقوفات عظیم که وقف‌نامه‌های مفصل دارند، مبحث تعمیر موقوفات با تفصیل و دقت بیشتر بیان شده است؛ فی‌المثل می‌توان به وقف‌نامه‌ی گنجعلی‌خان زیگ (تاریخ وقف: ۱۰۲۴ ه.ق.) اشاره کرد که وقف‌نامه‌ی دقیق و روشن و مفصلی است. گنجعلی‌خان، بر متولی شرط کرد بعد از اجرت کارگران و اخراج حقوق دیوانی؛ ابتدا نماید به‌عمارت رقبات موقوفه و ترتیب بذر و نفقه‌القنوات و مصالح‌الاملاک و آن‌چه سبب آبادانی کاریز و زیادتی آب و موجب تکثیر محصول و

ارتفاعات شود و خرج عمارات و مرمت و بام‌اندود و دروب بازار و حمام و عمارات و ابنیه و یخدان مزبور بر وجهی که تقصیری در آبادانی و معموری رقبات موقوفه واقع نشود (انزابی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۹۱-۹۲).

چنان‌که مشاهده شد، در وقف، تعمیر موقوفات مقدم بر حق التولیه و هر مصرف دیگری است؛ زیرا بدون بقای عین، وقف دچار زوال می‌شود. واقفان برای بقاء عین و استمرار انتفاع از موقوفات، شرط کرده‌اند که متولی پیش از هرگونه خرجی، مقداری از عایدات را به تعمیر و آبادانی موقوفات اختصاص دهد. در مواردی که عایدات موقوفات کاهش یافته، متولی موظف شده است از سایر مصارف چشم‌پوشی کند، اما تعمیر عین موقوفه معطل نماند. از این‌رو است که عموم موقوفات تاریخی؛ عمر طولانی یافته و در شرایط نامساعد از فرسایش و تخریب در امان مانده‌اند.

۴. منع ابدال و استبدال

ابدال و استبدال عین موقوفه از پرچالش‌ترین مسائل وقف است. فقیهان مذاهب اسلامی در طول تاریخ، بحث‌های مفصلی راجع به منع یا جواز بیع موقوفات کرده‌اند. برخی از صاحب‌نظران برآنند که تبدیل به احسن در خصوص وقف انتفاع بلامانع است، مشروط بر این‌که خرابی و مسلوب‌المنفعه بودن موقوفه محرز گردد (هاشمی‌نسب، ۱۳۷۹: ۱۲۷ و ۱۳۰؛ ابهری‌علی‌آباد، ۱۳۸۵: ۱۹). فقیهان «ابدال» را غالباً به معنای فروختن عین موقوفه و خریدن عین دیگری که به جای آن وقف شود، گویند. استبدال نیز یعنی عین موقوفه با رقبه‌ی دیگری معاوضه شود و گاهی به مفهوم بیع و معاوضه نیز اطلاق می‌شود (عتیقی، ۱۳۸۸: ۱۳؛ قلی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۱۳-۱۱۴). اصولاً اموال و املاکی که در مالکیت اشخاص قرار دارند، قابل فروش هستند، اما با مال وقف شده نمی‌توان مانند ملک آزاد رفتار کرد؛ بدین معنی که فروش آن در حالت عادی جایز نیست. زیرا چنان‌که گفته شد، حبس مال از شروط و خصوصیات وقف است. از این‌رو موقوفات مشمول نقل و انتقالات ارادی و قهری مانند بیع نمی‌شود (برادران، ۱۳۷۳: ۵۹). حتی اجاره‌ی طویل‌المدت موقوفات و یا اجاره‌ی موقوفه به افراد فاقد صلاحیت را جایز ندانسته‌اند. واقفان برای دوام وقف و پیشگیری از تبدیل قواعد وقف شروطی وضع کرده و غالباً در خاتمه‌ی وقف‌نامه‌ها با تمسک به آیه‌ی شریفه‌ی ۱۸۱ سوره‌ی بقره، تبدیل‌کنندگان را انذار کرده‌اند (ن.ک. به: شهابی، ۱۳۴۳: ۴).

ابدال و استبدال، بیم زوال وقف را ایجاد می‌کند. در قانون مدنی ایران، بیع موقوفات منع شده، مگر در مواردی که وقف خراب شود و انتفاع از آن ممکن نباشد (ابهری‌علی‌آباد، ۱۳۸۵؛ کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۷۲). اما عملاً در وقف‌نامه‌ها، تبدیل موقوفات منع شده است. وقف‌نامه‌ی امیرمظفر حسینی چاشمی، متعلق به دوره‌ی شاه عباس دوم، نمونه‌ی جالبی است که حتی در صورت خرابی موقوفه، ابدال و استبدال موقوفه را مجاز ندانسته است. واقف شرط کرده، هرگاه مسجد و حوض موقوفه خراب شود، متولی موظف است از نو بسازد و نگذارد به سرحد انهدام رسد. اگر مسجد و حوض مذکور مندرس شود، به نوعی که اثری از آن باقی نماند و کسی نباشد

که باز سازد، آن وقت در محوطه آن زراعت نموده و سال به سال از حاصل آن انتفاع گیرند و دعا و فاتحه و خیرات به جهت واقف به جای آورند (خسروی، ۱۳۸۴: ۱۱۰-۱۱۱). مورد بالا، صراحتاً هرگونه منع ابدال و استبدال موقوفات را در بدترین شرایط نشان می‌دهد. میرزا حسین خان سپهسالار در وقف‌نامه‌ی مدرسه‌ی ناصری تهران به متولی جواز داده برای ازدیاد منافع، اعیان املاک موقوفه را تغییر دهد مشروط بر آن‌که عرصه تغییر نکند، «مثل این که دکان را خراب کرده به جای آن حمام بسازد و یا دکان خبازی را خراب کرده قنادی بسازد او بالعکس» (شیخ‌الحکمایی، ۱۳۸۸: ۱۱۱).

واقفان، آموخته بودند نسبت به حفظ موقوفات تدابیری بیاندیشند که خطر زوال و انحطاط وقف را به حداقل برسانند. خواجه رشیدالدین فضل‌الله در نامه‌ای به فرزندش خواجه سعدالدین حاکم انطاکیه و طرطوس و سواحل فرات نوشته است «بدعت‌های قدیم از اعمال دیوانی بستر، اطماع مستأکله و تصرفات باطله از موقوفات مشاهد و رباطات و مساجد و مزارات منقطع گردان» (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۸: ۳۵). او در نامه‌ای به مولانا محمد رومی درباره‌ی مدرسه‌ای در ارزنجان نوشت: تدریس مدرسه‌ی ارزنجان که به مال خاص خود انشاء نمودیم بدو [مولانا شمس‌الدین قونیایی] تفویض فرمودیم و به عهده‌ی دیانت و امانت او گذاشتیم و او را متولی آن بقعه گردانیدیم تا آن چه از کمال کفایت او سزد به عمارت و زراعت رقبات و موقوفات آن جا قیام نماید [...] همگان می‌باید که او را مدرس و متولی آن بقعه داند و موقوفات آن را به دست گماشتگان مولانا گذارند تا محصول آن را بر موجب شرط واقف به مصارف استحقاق و مصالح آن بقعه صرف کند (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۸: ۱۵۵-۱۵۶).

گوهرشاد بیگم واقفه‌ی دوره‌ی تیموریان برای بقای موقوفاتش در خراسان شرط کرد: «موقوفات مذکوره را نفروشدند و نخرند و استبدال ننمایند و به کسی نبخشند» (انزایی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۲۶). عبارات پیش‌رو در بسیاری از وقف‌نامه‌ها، از جمله وقف‌نامه‌ی مدرسه‌ی چهارباغ اصفهان نقل شده است: شرط شرعی فرمودند که موقوفات مزبوره را نخرند و نفروشدند و نبخشند و رهن ننمایند و به میراث نبرند و در عرضه‌ی زوال و انتقال در نیاورند [...] و نوعی نمایند که کل آن‌ها و یا بعضی از آن‌ها از تصرف وقف بیرون رود (سپنتا، ۱۳۴۶: ۱۷۴).

شاه عباس اول صفوی، بازار قیصریه و بازارهای اطراف میدان نقش جهان اصفهان را با حمام و کاروانسرای نزدیک میدان وقف بر چهارده معصوم کرد. او متولیان را از تصرف زیاده از مقرری نهی کرده و برای انذار و رعایت شروط وقف به باورها و ارزش‌های حاکم بر جامعه‌ی آن روزگار متوسل شده است: «اگر [متولی] زیاده بر عشر تصرف نماید خون حضرت امام حسین علیه‌السلام را خورده باشد و در روز قیامت شرمنده‌ی خدا و رسول و ائمه‌ی هدی باشد» (شاملو، ۱۳۷۱: ۱۹۱؛ فلسفی، ۱۳۶۹، ج ۳: ۸۷۷). به نظر می‌رسد بیم تصرف اوقاف در دوره‌ی صفویان وجود داشته و این شروط و وصایای واقفان از بی‌اعتمادی به اوضاع و احوال روزگار ناشی می‌شده است. زبیده بیگم دختر شاه سلیمان صفوی در ۱۰۹۲ ه.ق. شماری

از دهات و مزارع و باغات اصفهان و قم را وقف و شرط کرده موقوفات مذکوره را نفروشد و هبه و رهن ندهند و بیش از سه سال به اجاره ندهند و حکام و مباشرین دیوان اعلی، بدون اذن متولی دخل و تصرفی نکنند و حتی از متولیان در هر عصری از اعصار محاسبه نجویند و «طمع‌کننده و تبدیل‌دهنده‌ی در شرایط وقف مذکور به مثل اشخاصی باشند که سوار خوک گردیده و به جنگ جناب سیدالشهداء و خامس آل عبا ابی‌عبدالله الحسین رفته باشند» (حسینی‌اشکوری، ۱۳۸۸، ج ۷: ۱۱۳).

علاوه بر ابدال و استبدال، هر کاری که باعث دور شدن، مفقود شدن، تغییر کارکرد موقوفات منقول شود نیز منع شده است. از این در وقف‌نامه‌ی اکثر قریب به اتفاق موقوفات منقول شرط شده است از محل بیرون نبرند. در وقف‌نامه‌ی زیلوی مسجد جامع بفرویه از توابع یزد که به صورت کتیبه در حاشیه‌ی زیلو بافته شده، چنین شرط شده که «در مسجد مزبور بیرون نبرند و نخرند و نفروشد. خلاف‌کننده به لعنت ابدی گرفتار باد [...] فی رجب المرجب سنه‌ی ۱۲۲۰ [ه.ق.]» (علیمحمدی اردکانی، ۱۳۸۶: ۵۴). ایضاً در وقف‌نامه یک جزو قرآن خطی (جزو هفدهم) که سده‌ی نهم وقف مسجد جامع سمنان شده: و شرط لاینقل منه الی مکان آخر الامجلس عقد فی بلده علی الخیر و الصلاح بشرط ردّها بعد الفراغ الی المسجد الموقوف هو علیه من غیر تسویف و اهمال و الا عند هجوم فتنه یخاف فیها من فواتها فانه عند ذلك یجوز ان ینقل الی برج الاحرار بصوفی آباد لازالت محروسه عن الفتنه و الفساد و اذا امت الوالیه عن مظنه الفساد فعلى المتولی المسجد ان یردّها الیه بلا تراخ و اهمال علیه (شیخ‌الحکمایی، ۱۳۷۳: ۵۶).

تجربه‌ی وقف نشان می‌دهد موقوفات در معرض تبدیل و تصرف قرار داشته و ابدال و استبدال مقدمه‌ی زوال وقف بوده است. به همین سبب واقفان به تبدیل موقوفات جواز نداده و تبدیل‌کنندگان را اذار کرده‌اند. عدم جواز تبدیل موقوفات در همه‌ی وقف‌نامه‌های بررسی شده امری ثابت است.

نتیجه‌گیری

امروز بخش قابل‌توجهی از میراث‌فرهنگی ایران، میراث وقف است. موقوفات تاریخی منقول و غیرمنقول عموماً آباد و دایراند و نسبت به سایر آثار تاریخی کمتر در معرض تخریب و نابودی قرار گرفته‌اند. کلید دوام وقف و راز ماندگاری نسبی موقوفات در خصلت‌های وقف و سازوکار محافظت محوری است که براساس مبانی و تجربه‌ی وقف ایجاد شده و تکوین یافته است. فرهنگ وقف دارای سه ویژگی مهم است که زمینه‌ی بقای میراث وقف را فراهم کرده است. این خصلت‌ها از این قرارند: الف. رویکرد ابدمدت؛ ب. استقلال؛ ج. خیرخواهی برای غیر.

علاوه بر این‌ها، وقف در گذر زمان صاحب سازوکاری برای حفظ میراث وقف شده که به مدد آن، موقوفات از گزند هدم و تخریب و موقوفه‌خواری در امان مانده است. سازوکار تاریخی حفظ میراث وقف بر این امور استوار بوده است:

۱. تنظیم سند وقف و نسخه‌برداری و تکثیر آن؛
۲. ایجاد نظام مدیریت به منظور دوام اوقاف؛

۳. آبادانی و تعمیر موقوفات؛

۴. منع تبدیل و استبدال.

مهم‌ترین دستاورد این مقاله، شناخت سازوکار تاریخی حفظ میراث وقف است. این سازوکار در طول تاریخ وقف، کارآمد بوده و بر پایه‌ی آن بسیاری از موقوفات -که عمر برخی از آن‌ها بالغ بر هزار سال است- تا امروز باقی مانده و کماکان آباداند. اما وضعیت اوقاف در روزگار حاضر دگرگون شده و هدف مدیریت و حفظ اوقاف فقط استمرار ارتفاع نیست. در دنیای امروز ارزش‌ها و اصالت‌های تاریخی و فرهنگی موقوفات هم اهمیت دارد و لاجرم مدیریت وقف نمی‌تواند به شروط سنتی وقف پای بند بماند و به ارزش‌های نوظهور میراث فرهنگی بی‌اعتنا باشد. از این رو ضروری است، سازوکار تاریخی مدیریت و حفظ موقوفات با نیازها و اقتضائات کنونی جامعه و ملاحظات میراث فرهنگی به گفتگو بنشینند و سازگاری یابد تا هم وقف -که خود میراث فرهنگی ناملموس محسوب می‌شود- دوام یابد و هم اهداف میراث فرهنگی تحقق یابد. مقدمه‌ی چنین کاری، شناسایی سازوکار وقف برای نگه‌داری و مدیریت اموال است که موضوع این مقاله بود. گام بعدی، روبه‌رو کردن سازوکار وقف با نظام حفاظتی میراث فرهنگی و ارزیابی و تحلیل آن است.

پی‌نوشت

۱. نیزن. ک. به: همو، ۳۹. درباره‌ی موقوفات مقبره‌ی سید فتح‌الله که گفته است: «موقوفات بسیار داشته و متولی معلوم نبوده، الحال جزئی از آن باقی مانده».
۲. برگرفته از عنوان وقف‌نامه‌ی ربع‌رشیدی

3. Management plan

۴. یکی از مهم‌ترین، دقیق‌ترین، و مفصل‌ترین وقف‌نامه‌های به‌جا مانده، وقف‌نامه‌ی ربع‌رشیدی است که به خط واقف، رشیدالدین فضل‌الله همدانی تحریر شده است. این وقف‌نامه بنا به اهمیتی که دارد در سال ۲۰۰۷ م. به‌عنوان میراث بشری در فهرست حافظه‌ی جهانی ثبت شد؛ ن. ک. به:

<http://www.unesco.org/new/en/communication-and-information/memory-of-the-world/register/full-list-of-registered-heritage/registered-heritage-page-8/the-deed-for-endowment-rab-i-rashidi-rab-i-rashidi-endowment-13th-century-manuscript/#c186418>

کتابنامه

- ابهری علی‌آباد، حمید، و رضائیان، عبدالله، ۱۳۸۵، «لزوم انطباق موارد جواز بیع عین موقوفه در قانون مدنی ایران با فقه اسلامی»، در: مقالات و بررسی‌ها، شماره‌ی ۸۰، صص: ۱۱-۳۲.
- احمدی، نزهت، ۱۳۷۶، «وقف‌نامه‌های بانوان در دوره‌ی صفوی»، در: وقف میراث جاویدان، شماره‌ی ۱۹ و ۲۰، صص: ۹۸-۱۰۳.
- احمدی، نزهت، ۱۳۹۰، در باب اوقاف صفوی (مجموعه مقالات). تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- افشار، ایرج، ۱۳۸۴، «ارتباط وقف و تاریخ»، در: وقف میراث جاویدان، شماره‌ی ۵۰، صص: ۶۴-۷۱.
- افشار، ایرج، ۱۳۵۷، «وقف‌نامه‌ی مدرسه‌ی سلطانی کاشان»، در: فرهنگ ایران‌زمین، شماره‌ی ۲۳، صص: ۹۵-۱۰۸.

- افشار، ایرج، ۱۳۸۹، *سواد و بیاض*، تهران: اساطیر، ۲ ج.
- افشار، ایرج، شیخ‌الحکامی، (و.) عمادالدین، ۱۳۸۹، *اسناد معماری ایران*، کتابچه‌ی املاک اینجوی فارس، دفتر دوم، مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن»، تهران.
- فلسفی، نصرالله، ۱۳۶۹، *زندگانی شاه عباس اول*، تهران: علمی.
- انزایی‌نژاد، رضا، و همکاران، ۱۳۸۸، *بیست وقف‌نامه از خراسان*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- اهلرز، اکارت، ۱۳۷۴، «موقوفات دینی و شهر شرق اسلامی»، در: *وقف میراث جاویدان*، ترجمه‌ی محمدحسن ضیاء توانا و مصطفی مؤمنی، شماره‌ی ۱۰، صص: ۵۰-۵۳.
- ایمانیه، مجتبی، ۱۳۷۶، «صورت وقف‌نامه‌ی کتاب و مدرسه‌ای از دوره‌ی صفویه»، در: *وقف، میراث جاویدان*، شماره‌ی ۱۹ و ۲۰، صص: ۱۱۰-۱۱۲.
- آذرپی، سعید، ۱۳۸۸، *سروری بر اصطلاحات وقف*، تهران: شرکت چاپ و انتشارات اسوه.
- *آگاهینامه*، ۱۳۵۴، تهران: سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران، شماره‌ی ۲، ص. ۹.
- برادران، دلاور، ۱۳۷۳، «فرهنگ حقوقی وقف (مشمتمل بر توضیح اصطلاحات حقوقی، قواعد، موضوعات و احکام وقف و سایر اصطلاحات)»، در: *وقف میراث جاویدان*، شماره‌ی ۶، صص: ۵۴-۷۵.
- برکت، محمد، ۱۳۸۲، «قدیم‌ترین وقف‌نامه در شیراز»، در: *وقف میراث جاویدان*، شماره‌ی ۴۱-۴۲، صص: ۴۲-۵۰.
- بکائی، محمدحسین، ۱۳۷۷، *کتاب‌شناسی وقف*، تهران: معاونت فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه.
- بهشتی، سیدمحمد، قیومی بیدهندی، مهرداد (و.)، ۱۳۸۹، *فرهنگ‌نامه‌ی معماری ایران در مراجع فارسی*، تهران: مؤسسه‌ی تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن»، ۲ ج.
- پرنده، غلامرضا، ۱۳۹۱، *کتابچه‌ی وقف؛ آنچه در مورد وقف باید بدانیم*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- تویسرکانی، سیداحمد، ۱۳۷۶، «اختلاف نظر دو فقیه هم‌عصر در یک مسأله‌ی وقفی»، در: *وقف میراث جاویدان*، شماره‌ی ۱۹ و ۲۰، صص: ۴۸-۵۵.
- جعفری، یعقوب، ۱۳۸۲، «بررسی فتوای ملا احمد نراقی درباره‌ی بطلان وقف اقباض و ردیه سید شفتی بر آن»، در: *وقف، میراث جاویدان*، شماره‌ی ۴۳ و ۴۴، صص: ۹۲-۹۹.
- جعفری‌زهرندی، محمد، ۱۳۷۸، «تولیت وقف و مدیریت دولتی»، در: *وقف میراث جاویدان*، شماره‌ی ۲۷، صص: ۴۰-۴۷.
- جناتی، محمدابراهیم، ۱۳۷۳، «وقف از دیدگاه مبانی اسلامی»، در: *وقف میراث جاویدان*، شماره‌ی ۵، صص: ۴۸-۵۱.

- حجت، مهدی، ۱۳۸۰، میراث فرهنگی در ایران، سیاست‌ها برای یک کشور اسلامی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- حسنی، هاشم معروف، ۱۳۸۰، وصیت و وقف (وارث زوجه و عول تعصیب در فقه اسلامی)، ترجمه‌ی عزیز فیضی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- حسینی اشکوری، سیدصادق، ۱۳۸۸، اسناد موقوفات اصفهان، قم: ممع ذخائر اسلامی، ۱۲ ج.
- حکمت، علی اصغر، ۱۳۳۷، نقش پارسی بر ارجار هند، فهرستی از کتیبه‌ها و خطوط فارسی بر لوح سنگ‌های هندوستان، کتابفروشی ابن سینا، تهران.
- خسروی، محمدعلی، ۱۳۸۴. هفت وقف نامه: گزیده‌ای از یکصد و هفتاد سال وقف نامه نویسی دو دوره‌ی صفوی، تهران: صائن.
- خوند میر، غیاث‌الدین بن همادالدین، ۲۵۳۵، دستورالوزراء، با تصحیح و مقدمه‌ی سعید نفیسی، تهران: انتشارات اقبال.
- درجی، حسن، ۱۳۹۰، بهینه‌سازی موقوفات؛ راز ماندگاری، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- رحمانی، محمد، ۱۳۷۹، «شخصیت حقوقی وقف»، در: وقف میراث جاویدان، شماره‌ی ۳۰، صص: ۵۰-۶۶.
- رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۸، سوانح‌الافکار رشیدی، به کوشش: محمد تقی دانش‌پژوه، تهران: دانشگاه تهران.
- رشیدالدین فضل‌الله، ۲۵۳۶، وقف نامه ربیع رشیدی، به کوشش: مجتبی مینوی و ایرج افشار. تهران: انجمن آثار ملی.
- رضایی، امید، ۱۳۸۴، «وقف نامه‌ی میرزا جلال‌الدین محمد حکیم جنابذی»، در: وقف، میراث جاویدان، شماره‌ی ۵۰، صص: ۵۶-۶۳.
- سپنتا، عبدالحسین، ۱۳۴۶، تاریخچه اوقاف اصفهان، اداره‌ی کل اوقاف استان اصفهان، اصفهان.
- سعدی، مصلح بن عبدالله، ۱۳۹۳، بوستان، با تصحیح و مقدمه‌ی محمدعلی فروغی، تهران: صمد.
- شاملو، ولی‌قلی بن داوودقلی، ۱۳۷۱-۱۳۷۴، قصص‌الخاقانی، تصحیح و پاورقی دکتر سیدحسن سادات ناصری، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۲ ج.
- شهابی، علی‌اکبر، ۱۳۴۳، تاریخچه وقف در اسلام، تهران: اداره‌ی کل اوقاف.
- شیخ‌الحکمایی، عمادالدین، ۱۳۸۸، اسناد معماری ایران، دفتر اول، تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن».
- شیخ‌الحکمایی، عمادالدین، ۱۳۷۳، «معرفی قرآن خطی مسجد جامع سمنان»، در: وقف، میراث جاویدان، شماره‌ی ۵، صص: ۵۶-۵۷.
- طراز، عبدالوهاب، ۱۳۴۱، «کتابچه موقوفات یزد»، به کوشش: ایرج افشار، در: فرهنگ ایران زمین، شماره‌ی ۱۰، صص: ۵-۱۱۸.
- عبدالحلیم عمر، محمد، ۱۳۸۹ «نظام وقف اسلامی و نظام‌های مشابه در

- جهان غرب»، در: *وقف میراث جاویدان*، ترجمه‌ی علی زاهدی، شماره‌ی ۶۹، صص: ۱۱۳-۱۴۶.
- عتیقی، محمد کل عبیدالله، عزالدین تونی، خالد شعیب، ۱۳۸۸، *فرهنگ اصطلاحات وقف*، ترجمه‌ی عباس اسماعیلی‌زاده، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- علیمحمدی اردکانی، جواد، ۱۳۸۶، *پژوهشی در زیلوی یزد*، تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران.
- قائم مقامی، جهانگیر، ۱۳۴۸، *یکصد و پنجاه سند تاریخی، از جلایران تا پهلوی*، تهران: ستاد بزرگ ارتشتاران.
- قائم مقامی، جهانگیر، ۱۳۵۰، *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی*، تهران: انجمن آثار ملی.
- قزوینی رازی، نصیرالدین ابوالرشید عبدالجلیل، ۱۳۵۸، *نقض معروف به بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض*، به تصحیح میرجلال‌الدین محدث، تهران: انجمن آثار ملی.
- قلی‌زاده، احد، ۱۳۸۷، «تحلیل نحوه ارتباط عین موقوفه با واقف و آثار آن قبل و بعد از زوال وقف در حقوق مدنی ایران»، در: *مقالات و بررسی‌ها*، شماره‌ی ۸۹، صص: ۹۹-۱۲۰.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۹، «تحول نهاد وقف و دورنمای آینده آن»، در: *مجله‌ی دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره‌ی ۴۸، صص: ۷۱-۹۴.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۱، *قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی*، تهران: نشر میزان.
- کاتوزیان، ناصر، و عباس‌زاده، محمدهادی، ۱۳۹۲، «حسن نیت در حقوق ایران»، در: *حقوق*، شماره‌ی ۳، صص: ۱۶۷-۱۸۶.
- الکیسی، محمدعبید، ۱۳۶۴، *احکام وقف در شریعت اسلام*، ترجمه‌ی احمد صادقی گلدار، ساری: اداره کل حج و اوقاف و امور خیریه استان مازندران.
- کریمیان، علی، ۱۳۷۸، *اسناد موقوفات آستان قدس رضوی در هرات (۱۱۸۱-۱۳۶۰ ه.ق.)*، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، پژوهش‌سکده‌ی اسناد.
- کسایی، نورالله، ۱۳۶۳، *مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن*، تهران: امیرکبیر.
- مسرت، حسین، ۱۳۸۷، «بررسی وقف و نیکوکاری در آب‌انبارهای ایران (به‌ویژه یزد)»، در: *وقف میراث جاویدان*، شماره‌ی ۶۳، صص: ۶۰-۷۶.
- مسرت، حسین، ۱۳۸۸، «وقف‌نامه‌ی آب‌انبار شش‌بادگیری یزد»، در: *وقف میراث جاویدان*، شماره‌ی ۶۷، صص: ۸۲-۸۹.
- مصاحب، غلامحسین، ۱۳۸۷، *دایرة‌المعارف فارسی*، تهران: امیرکبیر.
- منتجب‌الدین بدیع، علی بن احمد، ۱۳۸۴، *عنه‌الکتابه: مجموعه مراسلات دیوان سلطان سنجر*، به تصحیح و اهتمام: محمد قزوینی و عباس اقبال، تهران: اساطیر.
- میرزا رفیعا، محمدرفیع بن حسن، ۱۳۸۵، *دستورالملوک میرزا رفیعا*، به‌کوشش

و تصحیح: محمد اسماعیل مارچینکوفسکی، ترجمه‌ی علی کردآبادی، با مقدمه‌ی منصور صفت‌گل، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

- نجم‌رازی، عبدالله بن محمد، ۱۳۸۱، *مرموزات اسدی در مزمورات د/وودی*، مقدمه، تصحیح و تعلیقات: محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن.

- نظام‌الملک طوسی، ابوعلی حسن بن خواجه، ۲۵۳۷، *سیاست‌نامه*، با حواشی و یادداشت‌ها و اشارات و تصحیح: علامه فقید محمد قزوینی، با تصحیح مجدد: مرتضی مدرسی، تهران: زوار.

- نظیف، مجتبی، ۱۳۸۱، «اعتبار قصد قربت در وقف». در: *وقف، میراث جاویدان*، شماره‌ی ۳۷، صص: ۶۹-۸۲.

- لاله، هایده، ۱۳۸۰، «پیشنهادی برای احیا و معرفی میراث وقف و کارآمد کردن آن به‌عنوان ابزار پژوهش»، در: *وقف میراث جاویدان*، شماره‌ی ۳۳ و ۳۴، صص: ۱۳۳-۱۳۸.

- هاشمی‌نسب، سیدمحمد مهدی، ۱۳۷۹، «مبانی مدیریت موقوفات در اسلام»، در: *وقف میراث جاویدان*، شماره‌ی ۳۰، صص: ۱۲۲-۱۳۰.

- Lambton, Ann K. S., 2002, "Wakf (III in Iran)", in: *The Encyclopaedia of Islam, 2nd edition*, E.J. Brill, Leiden.